پرنده شکننده‌ای به نام «دارکوب سه‌انگشتی» روی تنه درختان کاج‌های کوهستانی شکار می‌شود

هدر مقدم و پریسا رحیمی در ۵ سال در ۱۲ استان و ۲۰۰ روستا دنبال این پرنده رفتند؛ از ردپا تا لانه

گفت‌وگو از مهدی نوروزی

هدر مقدم و پریسا رحیمی در یکی از کمپ‌های دوردست ارتفاعات کوه‌سیاه، ۲۸۰۰ متر بالاتر از سطح دریا، با دوربین‌های کوچک و یادداشت‌های پراکنده زندگی می‌کنند. آن‌ها ۵ سال است که دنبال یک پرنده‌اند که بیشتر مردم حتی نامش را هم نشنیده‌اند. دارکوب سه‌انگشتی کوهی، پرنده‌ای به اندازه یک گنجشک بزرگ، که فقط در تنه درختان کاج‌های بلند و قدیمی زندگی می‌کند و صدایش شبیه ضربه‌های آرام روی چوب خشک است. مقدم و رحیمی می‌گویند تا امروز کمتر از ۱۲۰ لانه فعال از این گونه در طبیعت ثبت شده است.

پرسش: از کجا شروع کردید؟ چه چیزی باعث شد این پرنده را انتخاب کنید؟

رحیمی: ما هر دو از کودکی عاشق جنگل بودیم، اما هیچ‌کدام از ما دانشمند رسمی نبودیم. در یکی از اردوهای دانشجویی در ارتفاعات، صدای ضربه‌هایی را شنیدیم که خیلی منظم بود. فکر کردیم کسی دارد هیزم می‌شکند. وقتی رفتیم دیدیم فقط یک پرنده است. همان لحظه فهمیدیم که نمی‌خواهیم فقط عکس ببینیم؛ می‌خواهیم بدانیم این پرنده چگونه زندگی می‌کند.

مقدم: من از همان روز دفترچه‌ای برداشتم و هر چیزی را که دیدم نوشتم. الان ۱۴ دفتر پر شده است. بعضی صفحه‌ها فقط یک عدد دارند: ساعت و دمای هوا. بعضی صفحه‌ها یک پاراگراف طولانی درباره یک شاخه خشک.

پرسش: کار میدانی چطور پیش می‌رود؟ از کجا شروع می‌کنید؟

مقدم: اول باید درخت مناسب پیدا کنید. این پرنده فقط در تنه‌هایی لانه می‌سازد که قطر بالای ۴۰ سانتی‌متر دارند و پوسیدگی نرم دارند. ما با دوربین دوچشمی و نقشه شروع می‌کنیم، مسیرهای شیب‌دار را می‌گردیم و دنبال ردپا می‌گردیم. ردپا یعنی تراشه‌های تازه روی زمین. وقتی یکی پیدا کردیم، ۲۰ متر اطراف را با دقت نگاه می‌کنیم.

رحیمی: بعد از پیدا کردن لانه، کار سخت شروع می‌شود. باید فاصله بگیریم تا پرنده برگردد. ما معمولا ۱۵۰ متر دور می‌ایستیم و با دوربین نگاه می‌کنیم. یک بار ۱۱ ساعت پشت سر هم منتظر ماندیم. سرد بود، پشه زیاد بود، و هیچ اتفاقی نیفتاد. آن روز یاد گرفتیم که صبر بخشی از کار است.

پرسش: بزرگ‌ترین مشکل میدانی چه بوده است؟

مقدم: یک بار یک خرس قهوه‌ای درست کنار کمپ ما آمد. ساعت ۳ صبح بود و من خواب بودم. رحیمی صدا را شنید و آرام مرا بیدار کرد. ما ۴۰ دقیقه بی‌حرکت ماندیم تا خرس رفت. بعد از آن همه دوربین‌ها را بالای درخت آویزان کردیم. از آن روز هیچ مشکلی نداشتیم.

رحیمی: مشکل دیگر، آدم‌ها بودند. بعضی‌ها فکر می‌کنند ما دنبال گنج هستیم. یک بار دو نفر با بیل آمدند و گفتند دنبال طلا هستند. ما برای همین یک تابلو کوچک نوشتیم که ما پرنده‌شناسیم و فقط دنبال عکس و صدا هستیم. بعد از آن کمتر کسی مزاحم شد.

پرسش: تجهیزات شما چقدر پیچیده است؟

مقدم: نه خیلی. ما از دوربین‌های تله‌ای استفاده می‌کنیم که وقتی حرکت جلوی لنز می‌افتد، عکس می‌گیرند. تا امروز ۱۸ هزار عکس گرفته‌ایم که ۹۰ درصدش خالی است. برای همین ساعت‌ها وقت می‌گیرد تا همه را نگاه کنیم. یک ضبط‌کننده صدا هم داریم که ضربه‌های دارکوب را ضبط می‌کند.

رحیمی: دوربین‌ها خوب‌اند، اما گوش انسان هنوز بهترین ابزار است. ما یاد گرفته‌ایم از روی صدا بفهمیم پرنده نر است یا ماده، و حتی از روی فاصله‌ی ضربه‌ها بفهمیم که لانه تازه است یا قدیمی. این‌ها چیزهایی است که هیچ دوربینی ثبت نمی‌کند.

پرسش: از نظر تغذیه چه می‌دانیم؟

مقدم: بیشتر غذای این پرنده لارو حشرات است که زیر پوست درخت زندگی می‌کنند. به همین دلیل تراشه‌هایی که پرنده می‌ریزد برای ما خیلی مهم است. ما تراشه‌ها را جمع می‌کنیم، خشک می‌کنیم و بعد زیر میکروسکوپ نگاه می‌کنیم تا ببینیم چه حشراتی خورده است. تا حالا ۳۷ گونه حشره در این تراشه‌ها پیدا کرده‌ایم.

رحیمی: یکی از جالب‌ترین کارها این بود که فهمیدیم این پرنده در ماه‌های سرد سال بیشتر به سراغ درختان کاج می‌رود، چون لارو حشرات زیر پوست ضخیم‌تر است. این یعنی پرنده هم مثل ما برای زمستان برنامه‌ریزی می‌کند.

پرسش: از کجا شروع کردید؟ چه چیزی باعث شد این پرنده را انتخاب کنید؟

رحیمی: ما هر دو از کودکی عاشق جنگل بودیم، اما هیچ‌کدام از ما دانشمند رسمی نبودیم. در یکی از اردوهای دانشجویی در ارتفاعات، صدای ضربه‌هایی را شنیدیم که خیلی منظم بود. فکر کردیم کسی دارد هیزم می‌شکند. وقتی رفتیم دیدیم فقط یک پرنده است. همان لحظه فهمیدیم که نمی‌خواهیم فقط عکس ببینیم؛ می‌خواهیم بدانیم این پرنده چگونه زندگی می‌کند.

مقدم: من از همان روز دفترچه‌ای برداشتم و هر چیزی را که دیدم نوشتم. الان ۱۴ دفتر پر شده است. بعضی صفحه‌ها فقط یک عدد دارند: ساعت و دمای هوا. بعضی صفحه‌ها یک پاراگراف طولانی درباره یک شاخه خشک.

پرسش: کار میدانی چطور پیش می‌رود؟ از کجا شروع می‌کنید؟

مقدم: اول باید درخت مناسب پیدا کنید. این پرنده فقط در تنه‌هایی لانه می‌سازد که قطر بالای ۴۰ سانتی‌متر دارند و پوسیدگی نرم دارند. ما با دوربین دوچشمی و نقشه شروع می‌کنیم، مسیرهای شیب‌دار را می‌گردیم و دنبال ردپا می‌گردیم. ردپا یعنی تراشه‌های تازه روی زمین. وقتی یکی پیدا کردیم، ۲۰ متر اطراف را با دقت نگاه می‌کنیم.

رحیمی: بعد از پیدا کردن لانه، کار سخت شروع می‌شود. باید فاصله بگیریم تا پرنده برگردد. ما معمولا ۱۵۰ متر دور می‌ایستیم و با دوربین نگاه می‌کنیم. یک بار ۱۱ ساعت پشت سر هم منتظر ماندیم. سرد بود، پشه زیاد بود، و هیچ اتفاقی نیفتاد. آن روز یاد گرفتیم که صبر بخشی از کار است.

پرسش: بزرگ‌ترین مشکل میدانی چه بوده است؟

مقدم: یک بار یک خرس قهوه‌ای درست کنار کمپ ما آمد. ساعت ۳ صبح بود و من خواب بودم. رحیمی صدا را شنید و آرام مرا بیدار کرد. ما ۴۰ دقیقه بی‌حرکت ماندیم تا خرس رفت. بعد از آن همه دوربین‌ها را بالای درخت آویزان کردیم. از آن روز هیچ مشکلی نداشتیم.

رحیمی: مشکل دیگر، آدم‌ها بودند. بعضی‌ها فکر می‌کنند ما دنبال گنج هستیم. یک بار دو نفر با بیل آمدند و گفتند دنبال طلا هستند. ما برای همین یک تابلو کوچک نوشتیم که ما پرنده‌شناسیم و فقط دنبال عکس و صدا هستیم. بعد از آن کمتر کسی مزاحم شد.

پرسش: تجهیزات شما چقدر پیچیده است؟

مقدم: نه خیلی. ما از دوربین‌های تله‌ای استفاده می‌کنیم که وقتی حرکت جلوی لنز می‌افتد، عکس می‌گیرند. تا امروز ۱۸ هزار عکس گرفته‌ایم که ۹۰ درصدش خالی است. برای همین ساعت‌ها وقت می‌گیرد تا همه را نگاه کنیم. یک ضبط‌کننده صدا هم داریم که ضربه‌های دارکوب را ضبط می‌کند.

رحیمی: دوربین‌ها خوب‌اند، اما گوش انسان هنوز بهترین ابزار است. ما یاد گرفته‌ایم از روی صدا بفهمیم پرنده نر است یا ماده، و حتی از روی فاصله‌ی ضربه‌ها بفهمیم که لانه تازه است یا قدیمی. این‌ها چیزهایی است که هیچ دوربینی ثبت نمی‌کند.

پرسش: از نظر تغذیه چه می‌دانیم؟

مقدم: بیشتر غذای این پرنده لارو حشرات است که زیر پوست درخت زندگی می‌کنند. به همین دلیل تراشه‌هایی که پرنده می‌ریزد برای ما خیلی مهم است. ما تراشه‌ها را جمع می‌کنیم، خشک می‌کنیم و بعد زیر میکروسکوپ نگاه می‌کنیم تا ببینیم چه حشراتی خورده است. تا حالا ۳۷ گونه حشره در این تراشه‌ها پیدا کرده‌ایم.

رحیمی: یکی از جالب‌ترین کارها این بود که فهمیدیم این پرنده در ماه‌های سرد سال بیشتر به سراغ درختان کاج می‌رود، چون لارو حشرات زیر پوست ضخیم‌تر است. این یعنی پرنده هم مثل ما برای زمستان برنامه‌ریزی می‌کند.

شکار در مصر در عصر سنگ

(صفحهٔ آغازین در تصاویر)

شکار در مصر در عصر سنگ، نقش مهمی در زندگی مردم داشت و تصاویر متعددی از آن بر دیوارهٔ مقبره‌ها و معابد به‌جا مانده است. در این تصاویر، شکارچیان با تیر و کمان، نیزه و گاه تور دیده می‌شوند. شکار هم برای تأمین غذا انجام می‌شد و هم به‌عنوان ورزش و سرگرمی. در برخی صحنه‌ها، فرعون یا بزرگان در حال شکار گاو وحشی یا شکار پرندگان در نیزارها نشان داده شده‌اند.

به گفتهٔ باستان‌شناسان، شکار در آن دوران فقط یک فعالیت تفریحی نبود. بسیاری از مردم برای گذران زندگی به شکار وابسته بودند و بخشی از غذای روزانه‌شان را از این راه تأمین می‌کردند. با گذشت زمان و گسترش کشاورزی، شکار کم‌کم جای خود را به دامداری و کشت داد، اما تصاویر به‌جا مانده از آن دوره، اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ ابزار، لباس و آداب زندگی مردم در اختیار ما می‌گذارد.

۵ شگفتی در ۵ کیلومتر؛ گردنه‌ای که هر روز تازه می‌شود

گفت‌وگو با مهندس سیمین رهنورد، مسئول طرح احیای پوشش گیاهی گردنه‌ی سنگ‌بست

گفت‌وگو از مهدی نوروزی

گردنه‌ی سنگ‌بست، ۲۱۰ کیلومتر با جاده‌ی اصلی فاصله دارد و تا همین چند سال، کمتر کسی از آن عبور می‌کرد. اما حالا هر آخر هفته ده‌ها خانواده برای پیاده‌روی، عکاسی و گاه فقط برای دیدن مه صبح‌گاهی به آن‌جا می‌روند. مسئول این تغییر، طرحی است که از ۱۴۰۰ با کاشت بیش از ۶۰ هزار نهال بلوط، بادام‌کوهی و گون آغاز شد. سیمین رهنورد، مهندس منابع طبیعی و مسئول اجرای طرح، ۱۲ سال است که در این منطقه کار می‌کند.

پرسش: چرا این گردنه برای شما این‌قدر مهم بود؟

پاسخ: چون تا ۱۰ سال پیش تقریباً هیچ درختی نداشت. خاک لایه‌ی سطحی‌اش را از دست داده بود و هر بار که باران می‌آمد، بخشی از خاک با خود پایین می‌رفت. ما می‌خواستیم ببینیم آیا می‌شود بدون آبیاری دائمی، فقط با کمک به طبیعت، جنگل برگشت یا نه. حالا جواب را می‌دانیم: بله، اگر صبر کنی و درست کار کنی.

پرسش: چند نفر در طرح کار می‌کنند؟

پاسخ: در اوج کار، ۴۲ نفر. ۱۸ نفر از اهالی روستای پایین‌دست، ۱۲ نفر از دانش‌آموزان هنرستان کشاورزی شهر کوهسار و بقیه از کارشناسان اداره‌ی منابع طبیعی. هر گروه مسئول بخش مشخصی بود. مثلاً دانش‌آموزان فقط در فصل کاشت می‌آمدند، چون می‌خواستیم آن‌ها نهال را خودشان بکارند و ببینند چند تا از آن‌ها زنده می‌ماند.

پرسش: کدام گونه‌ها بیشتر زنده ماندند؟

پاسخ: بادام‌کوهی و گون. این دو گونه با خشکی خیلی خوب کنار می‌آیند. بلوط حساس‌تر است و در سال‌های اول به آبیاری نیاز دارد. ما برای هر نهال یک کیسه‌ی کوچک کنار ریشه گذاشتیم که آب باران را نگه دارد. این ساده‌ترین کار بود، اما بیشترین اثر را داشت. بسیاری از نهال‌هایی که بدون کیسه کاشته شده بودند، در تابستان اول خشک شدند.

پرسش: مردم محلی چه واکنشی داشتند؟ همه موافق بودند؟

پاسخ: نه همه. برخی از دامداران می‌گفتند که ما می‌خواهیم مرتع آن‌ها را ببندیم و جلوی چرای گوسفندان را بگیریم. ما با آن‌ها جلسه گذاشتیم و توضیح دادیم که فقط ۳۰ هکتار از ۱۲۰ هکتار منطقه حصارکشی شده است. بقیه‌ی مرتع همچنان در دسترس است. کم‌کم فهمیدند که این طرح به ضررشان نیست، به نفعشان است.

پرسش: بزرگ‌ترین مشکل در این مدت چه بود؟

پاسخ: یک سال تقریباً همه‌ی نهال‌ها خشک شدند. علت این بود که آبیاری تکمیلی را زود قطع کرده بودیم. فکر می‌کردیم ریشه‌ها قوی شده‌اند، اما نبودند. آن سال تابستان بسیار گرم و بی‌باران بود. از آن به بعد، آبیاری را تا سه سال ادامه دادیم. این تصمیم هزینه داشت، اما بدون آن، کل طرح شکست می‌خورد.

پرسش: از این پس برنامه چیست؟

پاسخ: ما قصد داریم طرح را تا ۱۴۰۸ ادامه دهیم و ۴۰ هکتار دیگر را هم حصارکشی کنیم. همچنین می‌خواهیم یک مسیر پیاده‌روی ۵ کیلومتری از میان جنگل بسازیم تا مردم بتوانند بدون آسیب زدن به درختان از آن عبور کنند. هدف این است که گردنه‌ی سنگ‌بست فقط یک گردنه نباشد، بلکه به مقصدی برای گذران یک روز کامل تبدیل شود.

۵ شگفتی در یک کیلومتر؛ گردنه‌ای که هر روز تازه می‌شود

گفت‌وگو با مهندس سیمین رهنورد، مسئول طرح احیای پوشش گیاهی گردنه‌ی سنگ‌بست

گفت‌وگو از مهدی نوروزی

گردنه‌ی سنگ‌بست، ۲۱۰ کیلومتر با جاده‌ی اصلی فاصله دارد و تا همین چند سال، کمتر کسی از آن عبور می‌کرد. اما حالا هر آخر هفته ده‌ها خانواده برای پیاده‌روی، عکاسی و گاه فقط برای دیدن مه صبح‌گاهی به آن‌جا می‌روند. مسئول این تغییر، طرحی است که از ۱۴۰۰ با کاشت بیش از ۶۰ هزار نهال بلوط، بادام‌کوهی و گون آغاز شد. سیمین رهنورد، مهندس منابع طبیعی و مسئول اجرای طرح، ۱۲ سال است که در این منطقه کار می‌کند.

پرسش: چرا این گردنه برای شما این‌قدر مهم بود؟

پاسخ: چون تا ۱۰ سال پیش تقریباً هیچ درختی نداشت. خاک لایه‌ی سطحی‌اش را از دست داده بود و هر بار که باران می‌آمد، بخشی از خاک با خود پایین می‌رفت. ما می‌خواستیم ببینیم آیا می‌شود بدون آبیاری دائمی، فقط با کمک به طبیعت، جنگل برگشت یا نه. حالا جواب را می‌دانیم: بله، اگر صبر کنی و درست کار کنی.

پرسش: چند نفر در طرح کار می‌کنند؟

پاسخ: در اوج کار، ۴۲ نفر. ۱۸ نفر از اهالی روستای پایین‌دست، ۱۲ نفر از دانش‌آموزان هنرستان کشاورزی شهر کوهسار و بقیه از کارشناسان اداره‌ی منابع طبیعی. هر گروه مسئول بخش مشخصی بود. مثلاً دانش‌آموزان فقط در فصل کاشت می‌آمدند، چون می‌خواستیم آن‌ها نهال را خودشان بکارند و ببینند چند تا از آن‌ها زنده می‌ماند.

پرسش: کدام گونه‌ها بیشتر زنده ماندند؟

پاسخ: بادام‌کوهی و گون. این دو گونه با خشکی خیلی خوب کنار می‌آیند. بلوط حساس‌تر است و در سال‌های اول به آبیاری نیاز دارد. ما برای هر نهال یک کیسه‌ی کوچک کنار ریشه گذاشتیم که آب باران را نگه دارد. این ساده‌ترین کار بود، اما بیشترین اثر را داشت. بسیاری از نهال‌هایی که بدون کیسه کاشته شده بودند، در تابستان اول خشک شدند.

پرسش: بزرگ‌ترین مشکل در این مدت چه بود؟

پاسخ: یک سال تقریباً همه‌ی نهال‌ها خشک شدند. علت این بود که آبیاری تکمیلی را زود قطع کرده بودیم. فکر می‌کردیم ریشه‌ها قوی شده‌اند، اما نبودند. آن سال تابستان بسیار گرم و بی‌باران بود. از آن به بعد، آبیاری را تا سه سال ادامه دادیم. این تصمیم هزینه داشت، اما بدون آن، کل طرح شکست می‌خورد.

پرسش: از این پس برنامه چیست؟

پاسخ: ما قصد داریم طرح را تا ۱۴۰۸ ادامه دهیم و ۴۰ هکتار دیگر را هم حصارکشی کنیم. همچنین می‌خواهیم یک مسیر پیاده‌روی ۵ کیلومتری از میان جنگل بسازیم تا مردم بتوانند بدون آسیب زدن به درختان از آن عبور کنند. هدف این است که گردنه‌ی سنگ‌بست فقط یک گردنه نباشد، بلکه به مقصدی برای گذران یک روز کامل تبدیل شود.

شکار در مصر در عصر سنگ

(صفحهٔ آغازین در تصاویر)

شکار در مصر در عصر سنگ، نقش مهمی در زندگی مردم داشت و تصاویر متعددی از آن بر دیوارهٔ مقبره‌ها و معابد به‌جا مانده است. در این تصاویر، شکارچیان با تیر و کمان، نیزه و گاه تور دیده می‌شوند. شکار هم برای تأمین غذا انجام می‌شد و هم به‌عنوان ورزش و سرگرمی. در برخی صحنه‌ها، فرعون یا بزرگان در حال شکار گاو وحشی یا شکار پرندگان در نیزارها نشان داده شده‌اند.

به گفتهٔ باستان‌شناسان، شکار در آن دوران فقط یک فعالیت تفریحی نبود. بسیاری از مردم برای گذران زندگی به شکار وابسته بودند و بخشی از غذای روزانه‌شان را از این راه تأمین می‌کردند. با گذشت زمان و گسترش کشاورزی، شکار کم‌کم جای خود را به دامداری و کشت داد، اما تصاویر به‌جا مانده از آن دوره، اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ ابزار، لباس و آداب زندگی مردم در اختیار ما می‌گذارد.

۵ شگفتی در ۵ کیلومتر؛ گردنه‌ای که هر روز تازه می‌شود

گفت‌وگو با مهندس سیمین رهنورد، مسئول طرح احیای پوشش گیاهی گردنه‌ی سنگ‌بست

گفت‌وگو از مهدی نوروزی

گردنه‌ی سنگ‌بست، ۲۱۰ کیلومتر با جاده‌ی اصلی فاصله دارد و تا همین چند سال، کمتر کسی از آن عبور می‌کرد. اما حالا هر آخر هفته ده‌ها خانواده برای پیاده‌روی، عکاسی و گاه فقط برای دیدن مه صبح‌گاهی به آن‌جا می‌روند. مسئول این تغییر، طرحی است که از ۱۴۰۰ با کاشت بیش از ۶۰ هزار نهال بلوط، بادام‌کوهی و گون آغاز شد. سیمین رهنورد، مهندس منابع طبیعی و مسئول اجرای طرح، ۱۲ سال است که در این منطقه کار می‌کند.

پرسش: چرا این گردنه برای شما این‌قدر مهم بود؟

پاسخ: چون تا ۱۰ سال پیش تقریباً هیچ درختی نداشت. خاک لایه‌ی سطحی‌اش را از دست داده بود و هر بار که باران می‌آمد، بخشی از خاک با خود پایین می‌رفت. ما می‌خواستیم ببینیم آیا می‌شود بدون آبیاری دائمی، فقط با کمک به طبیعت، جنگل برگشت یا نه. حالا جواب را می‌دانیم: بله، اگر صبر کنی و درست کار کنی.

پرسش: چند نفر در طرح کار می‌کنند؟

پاسخ: در اوج کار، ۴۲ نفر. ۱۸ نفر از اهالی روستای پایین‌دست، ۱۲ نفر از دانش‌آموزان هنرستان کشاورزی شهر کوهسار و بقیه از کارشناسان اداره‌ی منابع طبیعی. هر گروه مسئول بخش مشخصی بود. مثلاً دانش‌آموزان فقط در فصل کاشت می‌آمدند، چون می‌خواستیم آن‌ها نهال را خودشان بکارند و ببینند چند تا از آن‌ها زنده می‌ماند.

پرسش: کدام گونه‌ها بیشتر زنده ماندند؟

پاسخ: بادام‌کوهی و گون. این دو گونه با خشکی خیلی خوب کنار می‌آیند. بلوط حساس‌تر است و در سال‌های اول به آبیاری نیاز دارد. ما برای هر نهال یک کیسه‌ی کوچک کنار ریشه گذاشتیم که آب باران را نگه دارد. این ساده‌ترین کار بود، اما بیشترین اثر را داشت. بسیاری از نهال‌هایی که بدون کیسه کاشته شده بودند، در تابستان اول خشک شدند.

پرسش: بزرگ‌ترین مشکل در این مدت چه بود؟

پاسخ: یک سال تقریباً همه‌ی نهال‌ها خشک شدند. علت این بود که آبیاری تکمیلی را زود قطع کرده بودیم. فکر می‌کردیم ریشه‌ها قوی شده‌اند، اما نبودند. آن سال تابستان بسیار گرم و بی‌باران بود. از آن به بعد، آبیاری را تا سه سال ادامه دادیم. این تصمیم هزینه داشت، اما بدون آن، کل طرح شکست می‌خورد.

پرسش: از این پس برنامه چیست؟

پاسخ: ما قصد داریم طرح را تا ۱۴۰۸ ادامه دهیم و ۴۰ هکتار دیگر را هم حصارکشی کنیم. همچنین می‌خواهیم یک مسیر پیاده‌روی ۵ کیلومتری از میان جنگل بسازیم تا مردم بتوانند بدون آسیب زدن به درختان از آن عبور کنند. هدف این است که گردنه‌ی سنگ‌بست فقط یک گردنه نباشد، بلکه به مقصدی برای گذران یک روز کامل تبدیل شود.